

## تبیین اصول قرآنی وحدت ملی و انسجام اسلامی

ابراهیم حسن‌زاده  
عضو حلقه علمی قرآن

چکیده: وحدت ملی و انسجام اسلامی از مفاهیم سیاسی معنادار است، که در مدیریت نظام سیاسی دربرگیرنده معیار استراتژیک کاربردی در جهان اسلام می‌باشد. برخی از این معیارها را قرآن پشتیبانی می‌نماید، آن معیارها را از قرآن استنباط نموده‌ایم.

معیارهای قرآنی وحدت ملی عبارت‌اند: ۱. حفظ کرامت انسانی ۲. عدالت ۳. ایجاد محبت و ریشه‌کنی عداوت.

معیارهای انسجام اسلامی نیز عبارت‌اند از: ۱. توحید ۲. شاخص داوری در نزاع ۳. تقویت مشترکات امت اسلامی ۴. گسترش اخوت اسلامی و نهادینه کردن حقوق اخوت اسلامی در میان امت ۵. زبان تفاهم وحدت ملی. هم‌بستگی و هم‌دلی ملی بدون به کار گرفتن معیارهای مذکور در جامعه عینیت نمی‌یابد، بنابراین کرامت انسانی از ارزش‌های مطلق شناخته می‌شود، که تمام افراد جامعه از آن حیث که یک‌سان هستند، برخوردار از آن می‌باشند.

منزلت انسانی و رسالت اسلامی اقتضا می‌کند، دولت و ملت اسلامی ریشه عداوت و کینه را از بن برکنند و درخت محبت را بکارند، با محبت، تلخی‌ها شیرین می‌شود و ناکامی‌ها به موفقیت تبدیل می‌گردد.

اسلامی معیار بنیادین قرآنی راهنمای حرکت

کشورهای اسلامی باشد.

در این نوشتار برآنیم تا به تبیین اصول قرآنی وحدت ملی و انسجام اسلامی بپردازیم و معیارهای هر یک را توضیح دهیم.

**کلیدواژگان:** وحدت ملی، انسجام اسلامی، کرامت انسانی، عدالت، توحید، مشترکات دینی، زبان تفاهم.

### درآمد

مصلحان بشری در راستای سعادت و رفاه جوامع و تحقق آرمان‌های انسانی راه‌کارهایی طرح نموده‌اند تا در قالب آن به اهداف خود برسند. بسیاری از اصلاح‌گران ریشه جنگ، غارت، ناداری و رنج ملت‌ها را در بی‌عدالتی سیستم حاکمیت دانستند<sup>۱</sup> و برای خاتمه دادن به رنج جنگ، حفظ صلح، گسترش عدالت و بردباری سیاسی به جدایی سیاست از گرایش مذهبی و قومی تن در دادند و قدرت را در پرتو قانون طبیعی با اصول لیبرالیسم مهار کردند و تمام اندیشه‌های سیاسی و مذهبی را به رسمیت شناختند. قدرت در قالب دموکراسی سکولار و جامعه پلورالیستیک ظاهر شد. این سیستم، ناسازگاری‌ها، خشونت و ناکارآمدی دولت را مهار کرد، و به انسان در پرتو دانایی سرعت، دقت، کیفیت و قدرت چندبرابر در کار بخشید<sup>۲</sup>. آنان تمام توجه انسان را معطوف تأمین رفاه و کامرانی در این دنیا نمودند. این سیستم جامعه را دچار خلأ معنوی کرد. سپس این موج دامن‌گیر کشورهای اسلامی شد و آنها را نیز گرفتار بحران سیاسی و مشروعیت قدرت نمود. در این موج بی‌ثباتی سیاسی، انقلاب اسلامی ایران با رهبری امام به ثمر نشست و سیستمی را پایه‌ریزی کرد که دست‌آوردهای عالی بشری را حفظ کرد و معنویت را وارد متن زندگی انسان نمود.

مقام معظم رهبری سال ۱۳۸۶ شمسی را وحدت ملی و انسجام اسلامی نامید. این ترکیب جدید در فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌های سیاسی، اجتماعی و فلسفی یافت نمی‌شود. چون وحدت به معنای حقیقی خود استعمال نشده است مراد از وحدت، اتحاد در مقابل تفرقه و چنددستگی می‌باشد، واژه ملی نیز بعد از جنگ جهانی اول کاربردی ویژه یافته است.

مراد از ملی، مجموعه انسان‌هایی است که در یک جغرافیای سیاسی زندگی

۱. آرنولد توین بی، تاریخ تمدن، صص ۱۵، ۳۵ و ۳۶.

۲. محمدعلی موحد، در هوای حق و عدالت از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، صص ۱۳۱، ۱۳۸ و ۲۲۳.

می‌کنند و همین جغرافیای سیاسی باعث ایجاد و تفکیک کشوری از سایر کشورها می‌گردد؛ مجموعهٔ انسان‌هایی که در قلمرو چنین حکومتی زیست می‌کنند، ملت نامیده می‌شود و هر وقت این ملت نسبت به آن جغرافیای سیاسی ربط داده شود، به واژهٔ ملی تعبیر می‌شود.<sup>۱</sup>

### مفهوم وحدت ملی

بنابراین مفهوم وحدت ملی، همان هم‌بستگی ملی با هر دین، آیین و قوم ساکن در کشور با هر نوع گرایش سیاسی، در راستای منافع ملی آن کشور می‌باشد.

### انسجام اسلامی

این ترکیب از دو واژهٔ انسجام و اسلامی برخوردار است. انسجام از «سجم» به معنی روان شدن و روان بودن مشتق شده است<sup>۲</sup> و در این ترکیب به معنای هم‌آهنگی می‌باشد. مراد از انسجام اسلامی این است که ساکنان کشورهایی که عمدتاً مسلمان‌نشین هستند، متحد گردند. مراد از آن هم‌آهنگی مسلمانان و هم‌سویی دولت‌های اسلامی در جهت اعتلای امت است.

### معیارهای وحدت ملی از دیدگاه قرآن

#### ۱. حفظ کرامت انسانی

کرامت و تکریم انسانی از واژه‌هایی است که بار معنوی فضیلت‌آمیز دارد؛ انسان قوهٔ خردورزی و کمال‌پذیری را در اختیار دارد و نسبت به سایر موجودات، مزیتی استثنایی

است و در همان حال همهٔ کمالات موجودات زنده را در خود دارد. هر کمالی که در موجود زنده‌ای باشد، نوع عالی آن کمال در انسان دیده می‌شود.<sup>۳</sup> آیات زیر به تکریم و کرامت انسانی توجه دارد:

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ

۱. شمس‌الدین فرهیخته، واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی و حقوقی، ص ۷۲۳؛ غلامرضا بابایی، فرهنگ سیاسی، صص ۵۵۱-۵۵۶ محمود طلوعی، فرهنگ جامع سیاسی، ص ۸۴۳

۲. لوئیس معلوف، المنجد، ص ۳۲۳.

۳. محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۱۵؛ محمدجواد مغنیه، تفسیر کاشف، ج ۵، ص ۱۱۳.

عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا<sup>۱</sup>؛ «ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم، و از انواع روزی‌های پاکیزه روزی‌شان دادیم، و بر بسیاری از خلق خود برتری بخشیدیم».

حفظ کرامت انسانی، محترم شمردن انسانیت انسان است و این وظیفه سنگینی را بر دوش دولت و اکثریت سیاسی مذهبی که جامعه را تشکیل می‌دهند، می‌نهد. حرمت نهادن به حریم انسانیت، اقلیت‌های دینی، قومی و مخالفان سیاسی نیز برای حفظ منافع و امنیت ملی و سلامت جامعه از نزاع و جدال، مهم است. وحدت فراهم شدن بستر جامعه در جهت تعاون، هم‌گرایی و مسئولیت‌پذیری هر یک از افراد در قبال جامعه خود می‌باشد و این معیار به صراحت در این آیه بیان شده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا<sup>۲</sup>﴾؛ «ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت. و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می‌خواهید نام او را می‌برید، (و نیز) از خویشاوندان خود (یعنی قطع ارتباط با آنها) بپرهیز کنید، زیرا خداوند مراقب شماست».

انسانیت و خویشاوندی یعنی شریک بودن در اصل آفرینش همه انسان‌ها را، گوش‌زد می‌کند. تحلیل علامه طباطبایی در این رابطه بسیار زیباست:

«این آیه مردم را دعوت می‌کند که همه در روابط خود با یکدیگر دارای تقوی باشند، زیرا همه مردمی هستند که در حقیقت انسانیت شریک‌اند. در وحدت هیچ فرقی بین مرد و زن، کوچک و بزرگ و ناتوان و توانا نیست. خداوند بشر را در زندگی اجتماعی راهنمایی کرد و وحدت را در احکام و قوانین جاریه به آن‌ها الهام نمود، تا راه و رسم زندگی‌شان آسان شود و دنیای فردی و اجتماعی‌شان حفظ گردد. در چنین محیطی خداوند صرفاً برای سعادت بشر تمام تفاوت‌ها را از میان برداشت، تا مبادا مرد به زن تجاوز کند، یا بزرگ به کوچک ستم روا دارد. به همین علت در آیه، مردم مخاطب‌اند، نه مؤمنین. این آیه بشر را با توجه به وحدت نوعی آن به تقوی فرمان داده و بر اساس واحدی که (انسانیت) همه افراد به تساوی از آن بهره‌مندند، چنین دستور

۱. اسراء/۷۰.

۲. نساء/۱.

داده که آثار و لوازم این وحدت را حفظ کنند.

بنابراین می‌توان از محتوای بلند این آیه چنین نتیجه گرفت:

۱. معیار اتحاد در این آیه انسانیت است و در آن حقیقت، همه با هم شریک‌اند؛
۲. خویشاوندی آدمیان که در اصل همه از یک پدر و مادر هستند؛
۳. محور اصلی مخلوق پروردگار بودن است و این سه محور مسئولیتی را به انسان می‌دهد که باید به جامعه و حفظ کرامت توجه لازم شود.

هرگاه در یک نظام سیاسی به کرامت انسان توجه نشود، بستر «شهروندی مضاعف» برای برخی از اقشار جامعه فراهم می‌شود و تبعیض در رفتار حکومتی نسبت به مردم پررنگ می‌شود. این رفتار موجب می‌گردد که شهروندان به درجه یک، دو و سه تقسیم شوند و اقشاری که در قدرت شریک‌اند و یا نفوذ در قدرت و قدرت‌مداران دارند، از منابع ملی به سود خود استفاده کنند و با توانایی‌هایی که از این راه به دست آورده‌اند، از طبقه فرودست بهره‌کشی کنند و در نتیجه در جامعه، شکاف سیاسی و تبعیض اقتصادی به وجود می‌آید و ملت، تعلق ملی خویش را از دست می‌دهند و به جای اینکه در جهت نوسازی جامعه و رشد اقتصادی بکوشند، به تخریب بنیان‌های مدنی می‌پردازند که حاصل آن خشونت سیاسی و بی‌اعتمادی ملی است. این‌گونه، وحدت ملی از هم می‌پاشد و کشور از تولید علم، تمدن‌سازی و رفاه بی‌نصیب می‌گردد و تفرقه سیاسی زمینه دخالت بیگانگان را فراهم می‌سازد.

## ۲. عدالت

عدالت را به دادن حقوق صاحبان حق یا گزاردن هر چیزی در سر جایش معنا کرده‌اند<sup>۱</sup> و شامل عدالت فردی، اجتماعی و سیاسی می‌شود.

عدالت رفتاری افراد جامعه از اعتدال سه قوه حاصل می‌شود:

۱. قوه شهویه؛

۲. قوه غضبیه؛

۳. قوه عقلیه.<sup>۲</sup>

عدالت رفتاری در افراد جامعه بعد از تحقق عدالت سیاسی به وجود می‌آید که در دانش حقوق به اهلیت تمتع و اهلیت استیفا نام‌گذاری شده است. مفهوم عدالت

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، صص ۱۱۷۵-۱۱۷۹.

۲. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۵۵۹.

سیاسی مبتنی بر دو اصل است:

۱. هر کس حق دارد از آزادی بنیادین برابر با دیگران تا آنجا که با حق مشابه دیگران وفق بدهد، برخوردار باشد.

۲. در برابر نابرابری‌های اجتماعی به گونه‌ای اندیشیده شود که حاصل جمع و یا نتیجه نهایی آن به نفع عموم مردم باشد، به این معنا که نابرابری در درآمدت وضع محروم‌ترین گروه جامعه را بهتر سازد. در ضمن، دستیابی به مزایای حاصل از نابرابری برای همه افراد قابل حصول باشد. به این معنا که آن مزایا به مقامها و مشاغل بستگی داشته باشد، نه به اشخاص. دستیابی به آن مقامها و مشاغل نیز تحت شرایطی متساوی برای همگان میسر باشد.

به این ترتیب، توزیع ثروت، درآمد، قدرت و منصب با آزادی‌های برابر و برابری در فرصتها، در سلسله مراتب اجتماعی خواهد بود. بنابراین در تحلیل نهایی به نفع همگان است که مقداری از نابرابری مجاز شناخته شود تا جامعه از شور و شوق و تکاپو باز نماند.

اما این نابرابری محدود است و شرایطی دارد و در هر حال باید دسترسی به مناصب و مشاغل مزیت‌دار به روی همه استعدادها باز باشد. به این معنا که هر کس استعداد داشته باشد و بخواهد منصبی را به دست آورد، باید بتواند قدم پیش بگذارد و در راه خود بسته نبیند. برابری در فرصت، هر کسی را قادر می‌سازد که بر اساس برابری حقوق به مزایا دست یابد، و دیگر با این گونه تقسیم منافع می‌توان همه را خشنود ساخت. فقط با قبول این دو اصل مشروع عدالت است که می‌توان رضایت محرومان را انتظار داشت!

بنابراین، اگر ملتی به احساس و تعلق خاطر واحدی نرسد، وحدت امکان‌پذیر نیست. تعلق خاطر واحد رفع تبعیض و توزیع عدالت است. توزیع عدالت به معنای وسیع کلمه عبارت است از: عدالت در توزیع اقتصاد، فرصتها، امکانات، دستیابی به قدرت و ... که عدالت به همه این معانی در قرآن از جایگاهی عالی بهره‌مند است.

بنا بر آموزه‌های قرآن حتی با دشمن نیز باید عدالت رعایت شود و در حکومت، حقوق شهروندی آنان که مخالف باشند، همچون دیگر افراد جامعه رعایت گردد و خصومت نباید مانع اجرای عدالت بشود.

قرآن اجرای عدالت را در هر شرایط و برای تمام افراد جامعه - دوست و دشمن -

. محمدعلی موحد، در هوای حق و عدالت از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، صص ۱۳۱، ۱۳۸ و ۲۲۳.

اصلی تکاملی می‌داند؛ زیرا عدالت زمینه حق‌پذیری و باطل‌ستیزی را در جامعه فراهم می‌سازد. حق‌پذیری باعث ستم‌سوزی می‌گردد و ستم‌سوزی مسئولیت‌های مدنی را در جامعه نهادینه می‌کند و افراد جامعه را مسئولیت‌پذیر می‌سازد. عدالت موجب حفظ حقوق مردم می‌گردد و هیچ‌کسی در کشور احساس غبن و زیان نمی‌کند و اعتماد ملی تقویت می‌شود. اعتماد ملی، هم‌دلی و ایثار را به وجود می‌آورد و هم‌دلی و هم‌بستگی ملی تحقق‌بخش وحدت ملی است. با چنین فرهنگی، روحیه وظیفه‌شناسی و وجدان کاری پدید می‌آید و شأن انسان حفظ می‌شود. با حفظ کرامت انسانی وحدت ملی در جان‌ها جوانه می‌زند و پایدار می‌گردد.<sup>۱</sup>

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛<sup>۲</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید، دشمنی با جمعیتی شما را به گناه ترک عدالت نکشاند، عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است و از خدا بپرهیزید که از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است.»

دشمنی و دوستی نیز نباید زمینه‌ساز بی‌عدالتی و حق‌کشی گردد و جور و جفا به فرهنگ رفتاری جامعه بپیوندد. نگاه نابرابر و حب و بغض دولت‌مردان در جامعه شکاف ایجاد می‌کند و این تفرقه، مخالفان سیاسی را تبدیل به اپوزیسیون می‌کند که برای بی‌ثباتی سیاسی فعالیت می‌نمایند. چند دستگی ناهمگون فعالان سیاسی، دیوار اعتماد ملی و ارکان وحدت ملی را می‌شکند و تعارض سیاسی به جای هم‌دلی، زندگی را به کام ملت تلخ می‌کند. در راستای وحدت ملی حقوق معترضان سیاسی همچون موافقان یک‌سان محترم شمرده شود.

﴿ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْلَفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعِّهْدِ اللَّهُ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ<sup>۳</sup>؛ «و به مال یتیم جز به شیوه برتر (و برای اصلاح) نزدیک نشوید، تا به حد رشد برسد و حق پیمان‌ه و وزن را به عدالت ادا کنید، ما هیچ کس را جز به مقدار توانایی تکلیف نمی‌کنیم و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت

۱. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۲، ص ۸۲۵ و ج ۳، ص ۱۲۲۳؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۵۱۸ و ج ۵، ص ۱۷۷.

۲. مائده/۷.

۳. انعام/۱۵۲.

نمایید. حتی اگر در مورد نزدیکان بوده باشد، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند تا متذکر شوید».

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۱﴾: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کاملاً قیام به عدالت کنید، برای خدا گواهی دهید اگر چه (این گواهی) به زبان خود شما یا پدر و مادر و یا نزدیکان شما بوده باشد، چه اینکه اگر آنان غنی یا فقیر باشند خداوند سزاوارتر است که از ایشان حمایت کند، بنابراین از هوی و هوس پیروی نکنید که از حق منحرف خواهید شد، و اگر حق را تحریف کنید و یا از اظهار آن اعراض نمایید، خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است».

این آیات نقش مردم را مانند دولت در تأمین عدالت بیان می‌کند؛ مردم با رعایت حرمت حقوق هم، مشارکت در تحقق وحدت ملی دارند و وحدت ملی با مشارکت مردم عینیت می‌یابد. مشارکت مردم در وحدت ملی بدون رفتار عادلانه مردم با هم‌نوعان‌شان تأمین نمی‌گردد. وحدت ملی حاصل پای‌بندی مردم و حکومت به میثاق ملی است که شالوده میثاق ملی عدالت و تأمین عدالت در جامعه می‌باشد. حرکت رو به پیشرفت ملت و دولت پایدار در سایه وحدت ملی است. ایمان به همراه عدالت مردم را به وحدت ملی می‌رساند. این آیات بر این نکته صراحت دارند:

﴿ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ \* وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ \* وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مَقْسِدِينَ ۲﴾: «حق پیمانانه را ادا کنید (و کم‌فروشی نکنید) و مردم را به خسارت نیفکنید \* با ترازوی صحیح وزن کنید \* و حق مردم را کم نگذارید و در زمین فساد ننمایید».

﴿ وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۳﴾: «و به هنگامی که پیمانانه می‌کنید، حق پیمانانه را ادا نمایید و با ترازوی درست وزن کنید، این برای شما بهتر و عاقبتش نیکوتر است».

از مجموع آیات این نکته به دست می‌آید که در هیچ شرایطی کسی حق استثمار انسان‌ها را ندارد و نفی استثمار انسانی در ارتباطات اقتصادی، داد و ستد و تعاون با

۱. نساء/۱۳۵.

۲. شعراء/۱۸۱-۱۸۳.

۳. اسراء/۳۵.



هم گره خورده که از اصول بنیادی برای استمرار عدالت، توزیع فرصت‌ها و ثروت و پر کردن شکاف طبقاتی برای تحقق عدالت می‌باشد. وحدت ملی بدون عدالت و توسعه عدالت - به مفهوم امروزی - شدنی نخواهد بود. در حقیقت جوهر وحدت ملی عدالت است. با عدالت، تعلق خاطر ملی در ذهن افراد جامعه شکل می‌گیرد و در رفتار اجتماعی ظهور و بروز پیدا می‌کند.

### ۳. پاشیدن بذر محبت و ریشه‌کنی عداوت در جامعه

بزرگ‌ترین عامل وحدت ملی در یک کشور و نیز وظیفه ملی دولت‌مردان، عمق‌بخشی و توسعه محبت در جامعه است که اساس اعتماد متقابل در سایه محبت بین افراد جامعه و دولت شکل می‌گیرد. جامعه با حرکت متکامل به آن سو حرکت می‌کند که افراد آن با هم‌دیگر و نسبت به دولت‌مردان خود حسن اعتماد را داشته باشند، و محبت به وسیله احسان و اغماض از خطاهای انسانی در جامعه نمودار گردد.

در همین مورد کلام امام علی علیه السلام اشاره‌ای روشن دارد:

«فاستر العورة ما استطعت یستره الله منک ما تحب ستره من رعیتک، اطلق عن الناس کل حقد و اقطع عنک سبب کل وتر»؛ «تا توان داری خطا و لغزش مردم را بیوشان، چنان که خود دوست داری خدا خطاهای تو را از رعیت پنهان کند. ریشه تمام کینه‌ها را از میان مردم برکن و ابزار دشمنی را در خودت و جامعه نابود ساز»<sup>۱</sup>. دولت و حاکمیت وظیفه مهمی در برابر اسرار مردم دارند و چشم‌پوشی حکومت از خطاهای مردم باعث ریشه‌کنی عقد و کینه ناخواسته می‌شود و البته ناگفته پیداست که چشم‌پوشی حکومت از خطاهای مردم درباره خطاهای سیاسی صدق می‌کند. دولت حق چشم‌پوشی از جرم و جنایت نسبت به حقوق مردم یا پروردگار را ندارد. خداوند ما را مأمور به احسان کرده و احسان به مردم را سپاس از خود قرار داده است.

﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾<sup>۲</sup>؛ «و در آنچه خدا به تو داده، سرای آخرت را جست‌وجو کن، بهره‌ات را از دنیا فراموش منما، و همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است نیکی کن و هرگز در زمین فساد موز که خدا مفسدان را دوست ندارد».

۱. نهج‌البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، نامه ۵۳، ص ۷۲۳.

۲. قصص/۷۷.

خداوند انسان را به نیکویی با دیگران در مقابل بخشش‌ها و احسان خود مأمور می‌نماید. به عبارت دیگر سپاس‌گزاری از نعمت‌های خداوند در نیکی کردن به بندگان اوست. وظیفه دولت و ملت در سایه فرهنگ قرآن مهرورزی در جامعه و حراست و حمایت از درخت محبت می‌باشد و به همین دلیل خداوند بردباری و گذشت از خطای انسانی را وظیفه مؤمنان معرفی می‌کند. چون محبت اعتماد ملی را به وجود می‌آورد و اعتماد ملی انگیزه مشارکت مردم را تقویت می‌نماید و مشارکت مردم وحدت ملی را می‌آفریند و وحدت ملی پاسدار استقلال کشور است.

در آیه دیگر خداوند سبحان بیان می‌دارد:

﴿وَلَا تَسْتَوِی الْحَسَنَةُ وَلَا السَّیِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِی هِیَ اَحْسَنُ فَاِذَا الَّذِی بَیْنَكَ وَبَیْنَهُ عَدَاوَةٌ كَاَنَّهُ وَلیٌّ حَمِیمٌ﴾<sup>۱</sup>؛ «هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن، تا دشمنان سرسخت تو، همچون دوستان گرم و صمیمی شوند».

آیه مبارکه بیان‌گر این اصل اجتماعی است که بخشیدن و احسان کردن در موضع قدرت، رفتار کریمانه‌ای است که از فرد کریم سر می‌زند. بر اساس مفهوم اولویت، تکلیف سنگینی در قبال ملت دارد و همواره باید با مردم، نیک رفتار نماید تا پیش‌زمینه‌های دشمنی از بین برود؛ وگرنه دشمنی در جامعه، اعتماد و وحدت ملی را نابود می‌کند. خداوند در آیه‌ای دیگر عوامل محبت را در جامعه بیان می‌نماید. در سایه آن عوامل محبت، اعتماد و مشارکت ملی به وجود می‌آید.

۱. انفاق در آشکار و نهان در هنگام توانایی یا تنگدستی به مردم نیازمند؛ ۲. فرو خوردن خشم؛ ۳. گذشت از خطای دیگران.

﴿الَّذِیْنَ یُنْفِقُوْنَ فِی السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِیْنَ الْعَظِیْمِیْنَ وَالْعَافِیْنَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ یُحِبُّ الْمُحْسِنِیْنَ﴾<sup>۲</sup>؛ «همان‌ها که در توان‌گری و تنگدستی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم می‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد».

از آیات قرآن برداشت می‌شود که دولت در قبال ملت وظیفه دارد که زمینه‌های دشمنی را در جامعه برکند و به همین جهت آیه مبارکه مؤمنان را به شدت از گفتاری که باعث دشمنی و کینه می‌گردد، باز می‌دارد.

﴿وَقُلْ لِعِبَادِیْ یَقُولُوا الَّتِی هِیَ اَحْسَنُ اِنَّ الشَّیْطَانَ یَنْزِعُ بَیْنَهُمْ اِنَّ الشَّیْطَانَ كَانَ لِلْاِنْسَانِ

۱. فصلت/۳۴.

۲. آل عمران/۱۳۴.

عَدُوًّا مُّبِينًا ۱؛ «به بندگانم بگو سخنی بگویند که بهترین باشد؛ چرا که شیطان (به وسیله سخنان ناموزون) میان آنان فتنه و فساد می‌کند، همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است».

﴿ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ \* وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ \* وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حُظٍّ عَظِيمٍ ۲﴾؛ «گفتار چه کسی بهتر است از آنکه به سوی خدا دعوت می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد و می‌گوید: من از مسلمین هستم \* هرگز نیکی و بدی یکسان نیست، بدی را با نیکی دفع کن، تا دشمنان سرسخت تو، همچون دوستان گرم و صمیمی شوند \* اما به این مرحله جز کسانی که دارای صبر و استقامت‌اند، نمی‌رسند، و جز کسانی که بهره‌ عظیمی از ایمان و تقوا دارند به آن نایل نمی‌گردند».

دشمنی زمینه‌ساز نزاع می‌گردد و نزاع بدبینی را در جامعه افزایش می‌دهد، بدبینی وحدت ملی را در هم می‌کوبد. در آیه زیر خدای سبحان علت تحریم شرب خمر را، ایجاد دشمنی، بیان می‌کند.

﴿ إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُفَوِّعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ ۳﴾؛ «شیطان می‌خواهد در میان شما به وسیله شراب و قمار عداوت ایجاد کند، و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد. آیا (با این همه زیان و فساد و با این نهی اکید) خودداری خواهید کرد؟».

پروردگار، حرکت اجتماعی را بر پایه محبت و برادری می‌خواهد و از حرکت‌هایی که به گناه و دشمنی در جامعه ختم می‌گردد، مؤمنان را باز می‌دارد.

﴿ ... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَ لَتَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۴﴾؛ «و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید و (هرگز) در راه گناه و تعدی هم‌کاری ننمایید و از خدا بپرهیزید که مجازاتش شدید است».

در آیات قرآن، راه رسیدن به خدا از میان آفریدگان او می‌گذرد. خداوند به اصولی فرمان می‌دهد که ارکان یک جامعه سالم توحیدی است و در آن انسان رستگار

۱. اسراء/۵۳.

۲. فصلت/۳۵-۳۳.

۳. مائده/۹۷.

۴. مائده/۲.

می‌شود. رستگاری معنای عمیقی دارد که شامل آسایش و سعادت دنیا و آخرت است، که این سعادت نیز با محبت به دست می‌آید.

### نتیجه

۱. عدالت ۲. احسان ۳. دادن حقوق صاحبان حق ۴. تجاوز نکردن ۵. مرتکب نشدن زشتی و پلیدی و عدم آلودگی ۶. سرکشی و قانون شکنی نکردن. تمام این اصول که در یک آیه بیان شده، ایجادکننده وحدت ملی است.

﴿ إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرِ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴾<sup>۱</sup>؛ «خداوند به عدل، احسان و بخشش در برابر نزدیکان فرمان می‌دهد، و از فحشا، منکر و ستم نهی می‌کند، خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید».

خلاصه کلام، رعایت کردن این اصول در جهت دستیابی به دو هدف بزرگ است:

۱. از بین بردن ریشه‌های روانی و اجتماعی کینه‌ها؛
  ۲. بارور شدن فضایل اخلاقی در جامعه.
- می‌دانیم که دست‌رسی به این اهداف محقق‌کننده وحدت ملی خواهد بود.

### معیارهای انسجام اسلامی

#### ۱. توحید

محور اصلی اعتقاد مسلمانان، توحید است و ایمان به این اصل، عاملی مهم برای انسجام مسلمانان می‌باشد. مسلمانان با هر گرایش کلامی، مذهبی و سیاسی بر محور توحید می‌گردند. یکتاپرستی در زندگی سیاسی و اجتماعی یکی از عوامل وحدت مسلمانان می‌باشد. توحید قرآنی زمینه اتحاد و هم‌پستگی مسلمانان را فراهم می‌سازد. هیچ ابزاری به اندازه ایمان در هم‌گرایی مسلمانان تأثیرگذار نیست.

با تأسف باید گفت که همین اصل توحید که محور وحدت امت اسلامی است، روزگاری محور اختلافها و خون‌ریزی‌های بسیاری شده است؛ زیربنای این اختلافها نوع تفسیر خاص از توحید در فرهنگ هر فرقه از فرق اسلامی بوده است.<sup>۲</sup> امروز همه

۱. نحل/۹۰.

۲. برای آگاهی بیش‌تر ر.ک: مونت‌گمری وات، فلسفه و کلام اسلامی، صص ۴۰-۴۱ و ۵۶-۵۷؛ جرجی زیدان،

اندیشمندان اسلامی وظیفه دارند که از گذشته تلخ عبرت گیرند و تفسیر شخصی خود را حق مطلق نیندارند و با عقاید و برداشت خود به تکفیر دیگران برنخیزند و به توحید قرآنی تمسک جویند.

﴿ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴾<sup>۱</sup>؛ «بگو من فقط بشری هستم همچون شما (امتیازم این است که) به من وحی می‌شود که معبود شما تنها یکی است، پس هر کس امید لقای پروردگارش را دارد، باید عمل صالح انجام دهد، و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نکند».

﴿ قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ ﴾<sup>۲</sup>؛ «بگو تنها این به من وحی می‌شود که معبود شما خدای یگانه است، آیا (با این حال) تسلیم (حق) می‌شوید؟ (و بتها را کنار می‌گذارید؟)».

﴿ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوا وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ﴾<sup>۳</sup>؛ «بگو من فقط انسانی مثل شما هستم که این حقیقت بر من وحی می‌شود که معبود شما تنها یکی است، پس تمام توجه خویش را به او معطوف کنید، و از وی آمرزش طلبید؛ وای بر مشرکان!».

﴿ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴾<sup>۴</sup>؛ «و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام ...) چنگ زنید، و پراکنده نشوید! و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود، به یاد آورید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او، برادر شدید! و شما بر لب حفره‌ای از آتش بودید، خدا شما را از آن نجات داد؛ خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد، شاید هدایت شوید».

این آیه مبارکه یادآور مدینه‌النبی است که با محور توحید، جامعه جاهلی متعصب، خون‌ریز و کینه‌جو را که جز افتخار قبیله‌ای، فضیلتی نداشت و دشمنی و جنگ و کشتار و غارت بخشی از فرهنگ آن شده بود، به جامعه‌ای تبدیل نمود که نه تنها در

تاریخ و تمدن اسلام، صص ۷۳۰-۷۳۵.

۱. کهف/۱۱۰.

۲. انبیاء/۱۰۸.

۳. فصلت/۶.

۴. آل عمران/۱۰۳.

آن به حقوق دیگران احترام گذاشته می‌شد، بلکه برای رضای خدا و نفع مؤمنان حق خود را به دیگران ایثار می‌کردند.

## ۲. ملاک داوری در نزاع

جوامع همواره از تعصب‌های قومی، قبیله‌ای، سیاسی، جغرافیایی و زبانی تأثیرپذیرند و این تأثیرپذیری گاهی منافع برخی را تأمین می‌کند. منافع گردانندگان بخشی از اجتماع با بخش دیگر اجتماع در تعارض واقع می‌گردد. گاهی همین تعارض منافع باعث درگیری و تنازع میان افراد جامعه می‌شود و چه بخواهیم و چه نخواهیم، نزاع و جدال آرام در بطن جامعه وجود دارد. نکته مهم، مهار آرام نزاع و هدایت آن به سوی حسن نیت و برادری است. گاهی حل نزاع به داوری نیاز دارد. ملاک داوری، باید کتاب خدا و سنت رسول خدا ﷺ باشد. اگر همواره مورد نزاع را به محکمت قرآن و سنت رسول خدا ﷺ برگردانیم، بسیاری از مشکلات ناخواسته و بدفهمی‌ها حل می‌شود. چون اختلاف و نزاع میان امت اسلامی مورد بغض خداوند می‌باشد و او مؤمنان را از نزاع و پراکندگی باز داشته است.

﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَاتَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اضْبُرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾؛ «و خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع (و کشمکش) نکنید تا سست نشوند و قدرت (و هیبت) شما از میان نرود و استقامت نمایید که خداوند با استقامت‌کنندگان است.»

﴿بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِن كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر خدا را اطاعت کنید و صاحبان امر را نیز، و هرگاه در چیزی نزاع کردید، آن را به خدا و پیامبر ارجاع دهید، اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، این برای شما بهتر و عاقبت آن نیکوتر است.»

شاخص داوری کتاب خدا و سنت رسول خدا ﷺ در میان مسلمانان پذیرفته شده است؛ زیرا محکمت کتاب خدا و سنت رسول مورد اختلاف فهم مسلمانان نیست. با آن باید تمام اختلاف در فهم را از باب رد متشابه به محکم برگردانیم.

خداوند، نزاع و کشمکش را عامل سستی و ناتوانی جامعه معرفی می‌کند و تنبلی و

۱. انفال/۴۶.

نساء/۵۹.

سستی را عامل زوال جامعه و زمینه‌ساز تهاجم بیگانه برمی‌شمارد. جامعه از کار افتاده و ناتوان با یک فشار خارجی ساقط می‌شود و به همین دلیل وظیفه امت اسلامی را تمدن‌سازی، پیش‌روی و کمال‌آفرینی می‌داند.

﴿ وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴾<sup>۱</sup>؛ «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنان همان رستگارانند».

﴿ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾<sup>۲</sup>؛ «و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند، (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید! و آنان عذاب عظیمی دارند».

خداوند کسانی را که در جامعه عامل اختلاف‌اند و منافع خود را در اختلاف می‌جویند و حاضر به داوری بر اساس قرآن و سنت رسول خدا نیستند، به جهنم و عذاب دردناک وعده می‌دهد.

اگر به کتاب خدا و سنت رسولش تمسک کنیم و همه موارد اختلافی را به آن برگردانیم، در این صورت جامعه به روند تکاملی خود هدایت می‌شود و تمام کارها به نظم در می‌آید و همه نابه‌سامانی‌ها سامان می‌یابد.

﴿...وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴾<sup>۳</sup>؛ «و هر کس به خدا تمسک جوید، به راه راست، هدایت شده است».

### ۳. تقویت مشترکات امت اسلامی

قرآن، رسول خدا ﷺ، قیامت، اخوت اسلامی و بسیاری از مفاهیم مشترک میان مسلمانان وجود دارد که می‌تواند باعث وحدت امت اسلامی شود، هر چند اکثر مسلمانان به عربی سخن نمی‌گویند اما از آنجا که زبان دین‌شان عربی است، وحدتی فرهنگی در میان مسلمانان به وجود می‌آید.

زبان دین همه مسلمانان زبان قرآن است و نبوت رسول خدا و وجود معنوی رسول خدا شاخص دریافت دینی مسلمانان است و همگی باور داریم که جهانی دیگر با نام قیامت در پس این عالم است. در روز قیامت بندگان خدا محاکمه می‌گردند و پاداش

۱. آل عمران/۱۰۴.

۲. آل عمران/۱۰۵.

۳. آل عمران/۱۰۱.

خود را خوب یا بد دریافت می‌کنند. همه موجودات در سیطره قدرت خدا در روز قیامت پاداش داده می‌شوند. هیچ‌یک از مسلمانان، در قرآن و نبوت رسول خدا ﷺ و روز قیامت با هم اختلاف ندارند و با این معیار محکم می‌توان در دیگر مسایل اختلافی با نگاه مثبت و احترام نگریست.

مسائل اختلافی نباید موجب روی گردانی از مشترکات و اصول شود، اما در عین حال فهم‌های مخالف در مسایل دینی باید به رسمیت شناخته شود. چنان که می‌دانیم، اختلاف در فهم متن قرآن کریم و سنت رسول خدا در بین مسلمانان از صدر اسلام تا امروز وجود داشته و ابزارها و روش‌هایی که برای فهم کتاب و سنت به کار گرفته می‌شود، متفاوت است و این تفاوت ابزاری با مراتب فهم انسانی، موجب می‌شود به اختلافها رسمیت داده شود تا در سایه آن تحمل و مدارا در بین اندیشمندان اسلامی به وجود آید. باید به اصولی که قرآن به آن سفارش می‌کند، عمل نماییم که اصول قرآن زندگی‌بخش، امنیت‌آفرین و صلح‌زا خواهد بود.

قرآن بر تقویت و توسعه مشترکات در دایره امت اسلامی تأکید تام دارد. تقویت مشترکات و امور وحدت‌آفرین که موجب صلح، تفاهم، ثبات و امنیت در جامعه می‌گردد، مطلوب حضرت حق است و خدا از مؤمنان آن را می‌خواهد.

﴿ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴾<sup>۱</sup>؛ «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است، که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را هم‌تای او قرار ندهیم، و بعضی از ما برخی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به خدایی نپذیرد. هرگاه (از این دعوت) سر باز زنند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمانییم.»

﴿ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودًا ﴾<sup>۲</sup>؛ «و هنگامی که به آنان گفته می‌شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده، و به سوی پیامبر بیایید، منافقان را می‌بینی که از قبول دعوت تو اعراض می‌کنند.»

یعنی باید به سنت رسول خدا، مانند قرآن عمل نماییم، چون خداوند می‌فرماید: ﴿... وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ﴾<sup>۳</sup>؛ «آنچه را رسول خدا برای

۱. آل عمران/۶۴.

۲. نساء/۶۷.

۳. حشر/۷.



شما آورده، بگیرید و اجرا کنید، و آنچه را از آن نهی کرده خودداری نمایید، و از مخالفت خدا بپرهیزید که خداوند شدید العقاب است.»  
و چون رسول خدا امام، پیشوا، الگوی و راهنمای دیانت در تمام شئون زندگی مسلمانان است.

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾<sup>۱</sup>؛ «برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنان که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

توجه عمومی را به قرآن و سنت رسول خدا ﷺ جلب می‌نماییم. اگر قرآن و سنت رسول خدا در فضای فرهنگی جامعه اسلامی چیره گردد، عطر این دو همواره در مشام جامعه بوزد و برکات عمل به قرآن و سنت، چشم بصیرت جامعه را بصیرت بخشد و آثار برکات قرآن و سنت در جامعه تحقق عینی یابد، در این صورت، عوامل نزاع در پی تربیت آیین محمدی ﷺ از جامعه برداشته می‌شود.

#### ۴. اخوت اسلامی

اخوت اسلامی، از مشترکات میان مسلمانان است. حقوق اخوت اسلامی به برکت دیانت به مؤمنان تعلق می‌گیرد. چنان‌که حقوق بشر امروز همگانی و مفهوم آن در ذهن عالم و جاهل جای‌گیر شده است، این حقوق دینی که برادران ایمانی به گردن هم‌دیگر دارند، نیز باید چنان گسترده تبلیغ شود تا فضای سیاسی و شکننده قومی و منطقه‌ای را بشکند و حقوق دینی مردم نسبت به سایر حقوق سیاسی در اولویت قرار بگیرد. به همین دلیل، قرآن به وظایف دینی و ایمانی مسلمان اشاره می‌کند؛ باید حقوق ایمانی، بر حقوق‌های مدنی که در کشورهای اسلامی وضع شده است، مقدم باشد. یعنی حقوق مدنی در جوامع اسلامی به نحوی تنظیم شود که معارض با حقوق ایمانی برادران دینی نباشد. در حوزه عمل و فرهنگ نیز باید حقوق دینی جلودار باشد.

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>۲</sup>؛ «مردان و زنان باایمان ولی (و یار و یاور) یک‌دیگرند، امر به معروف و نهی

۱. احزاب/۲۱.

۲. توبه/۷۱.

از منکر می‌کنند، نماز را بر پا می‌دارند، زکات را می‌پردازند، و خدا و رسولش را اطاعت می‌نمایند؛ خداوند به زودی آنها را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد. خداوند توانا و حکیم است.»

این حقوق ایمانی، موجب می‌شود تا مؤمنان حق نداشته باشند به جای مؤمنان، از میان کافران دوستانی بگیرند.

﴿ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴾<sup>۱</sup>؛ «افراد با ایمان نباید به جای مؤمنان، کافران را دوست و سرپرست خود انتخاب کنند، و هر کس چنین کند، هیچ رابطه‌ای با خدا ندارد (و پیوند او به کلی از خدا گسسته می‌شود)، مگر اینکه از آنها بپرهیزد (و برای هدف‌های مهم‌تری تقیه کنید). خداوند شما را از (نافرمانی) خود، بر حذر می‌دارد، و بازگشت (شما) به سوی خداست.»

﴿ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِئْتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴾<sup>۲</sup>؛ «همان‌ها که کافران را، به جای مؤمنان، دوست خود برمی‌گزینند، آیا اینان می‌خواهند از آنان کسب عزت و آبرو کنند، با اینکه همه عزت‌ها مخصوص خداست؟»

﴿ ... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴾<sup>۳</sup>؛ «و هرگز خداوند برای کافران نسبت به مومنان راه تسلطی قرار نداده است.»

بنابراین، مؤمنان حتی حق کینه و عداوت نسبت به مؤمنان را ندارند. وظیفه مؤمنان ایجاد محبت، هم‌دلی و هم‌آهنگی بین مسلمانان است تا همواره منافع شخصی یا کشوری در راه منافع امت اسلامی قرار گیرد.

﴿ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ ﴾<sup>۴</sup>؛ «و کسانی که بعد از آنان آمدند و می‌گویند: پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند، بیامرز، و در دل‌هایمان حسد و کینه‌ای نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو مهربان و رحیمی.»

۱. آل عمران/۲۸.

۲. نساء/۱۳۹.

۳. نساء/۱۴۷.

۴. حشر/۱۰.

### ۵. زبان تفاهم

وجود اختلاف سلیق و افکار در برداشت از متون دینی امری قطعی به شمار می‌آید و این اختلاف اندیشه‌ها و انگیزه‌ها نباید توسط زبان، راه دشمنی، تنش و کینه‌جویی را در جامعه باز کند. باید زبان نوشتار و گفتار منطقی و قابل تحمل باشد.

زبان نباید به اهانت به مقدسات و بنیادهای اندیشه‌ای سایر نحل‌های فکری امت اسلامی آلوده باشد، کنترل زبان نوشتار و گفتار کلید انسجام و در هم کوبی تفرقه امت اسلامی است و باید زبان گفتار و نوشتار مؤدبانه و برخوردار از فرهنگ وحی باشد. چون وحی آن زبان و نوشتاری را تأیید می‌کند که از آن فتنه برنخیزد. هدف وحی، صلح، امنیت، رفاه معنوی و مادی و پیش‌رفت است. از آنجا که اهداف وحی در جنگ، جدال، نابه‌سامانی و پریشانی به دست نمی‌آید، به همین دلیل، خداوند سبحان به موسی و هارون فرمان می‌دهد:

﴿ اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ \* فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ﴾<sup>۱</sup>؛ «به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است \* اما به نرمی با او سخن بگویید، شاید متذکر شود یا از (خدا) بترسد».

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا \* يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴾<sup>۲</sup>؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خدا بپرهیزید و سخن حق و درست بگویید \* تا خدا اعمال شما را اصلاح کند و گناهان‌تان را ببامرزد، و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند به رستگاری (و پیروزی) عظیمی نائل شده است».

قرآن زبان را اساس همه خیرها و شرها معرفی می‌نماید. وظیفه انسان در مقابل زبان کنترل آن و سخن گفتن حق، استوار و با منطق است. بنابراین، اصلاح گفتار و نوشتار و رعایت ادب و آزار نرساندن به دیگران از این طریق، زمینه‌ساز فرهنگ تفاهم، بین امت اسلامی و تحقق انسجام اسلامی است.

### نتیجه

در میان نظام‌های مدیریت سیاسی، اصول استراتژیک قرآنی از عینی‌ترین، جامع‌ترین، راهبردی‌ترین نظام‌ها برای رسیدن به اهداف وحدت و انسجام به شمار

۱. طه/۴۳ و ۴۴.

۲. احزاب/۷۰ و ۷۱.

می‌رود. زیرا رعایت آن اصول با پشتیبانی وحی، جامعه اسلامی را با تنوع سلیقه‌ها به سوی هم‌گرایی و تحقق وحدت ملی سوق می‌دهد.

وحدت ملی در سایه تکریم انسانیت، موجب پیدایش وجدان کاری و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه می‌شود و جامعه به تولید انسان فضیلت‌مدار می‌پردازد و افراد جامعه را به سوی تکامل هدایت می‌کند. فصل الخطاب هر نوع برخورد سلیقه‌ها با یکدیگر منافع ملی و وحدت ملی خواهد بود.

عملی‌سازی معیارهای انسجام اسلامی، امت را در راستای تقویت مشترکات سوق می‌دهد و ابزارهای اختلاف‌برانگیز را که نیروی جهان اسلام را به تحلیل می‌برد، از میان جامعه اسلامی بیرون می‌برد. بدین قرار، امت اسلامی به یک قدرت تأثیرگذار جهانی تبدیل می‌شود و در توازن قدرت جهانی سهیم گشته و برای صلح جهانی راه‌کارهای کاربردی و قابل تحقق مبتنی بر وجدان انسان‌ها عرضه می‌دارد.

با توسعه آموزش و فراگیری دانایی، امت اسلامی می‌تواند فن‌آوری‌های گوناگون را بومی سازد.

با پشتیبانی دانایی، اقتصاد جوامع مسلمان علمی می‌شود و با اقتصاد قدرت‌مند، امت اسلامی قادر به آفرینش اقتصاد مستقل در کنار اقتصاد غارت‌گر جهان غرب می‌گردد و سرزمین‌های توسعه‌نیافته و ملت‌های نادر را به کشور ثروت‌مند و صنعتی تبدیل می‌کند. جهان اسلام این توانایی را به دست می‌آورد که فقر را با تمام عواملش از منطقه ریشه‌کن سازد.

در پرتو اقتصاد اسلامی محرومین عالم نیز از مزایای زندگی بهره‌مند می‌گردند و غم‌نان، مسکن، بهداشت و آموزش، انسان را از تعالی زندگی برین باز نمی‌دارد. دیگر زخم‌های استعمار با نام صلح جهانی و حقوق بشر، اما در حقیقت بدرفتاری و سیاست دوگانه کسی را آزار نمی‌دهد و آدمیان همه یکدل و هم‌دم می‌شوند!

## منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه فولادوند، دار القرآن الکریم، قم، بی‌تا.
۲. اصفهانی، الراغب، المفردات فی غریب القرآن، مکتبه المرتضویه، تهران، تحقیق ندیم مرعشی، بی‌تا.
۳. بابایی، غلامرضا، فرهنگ سیاسی آرش، نشر آشیان، تهران، ۱۳۷۴.
۴. توین بی، آرنولد، تاریخ تمدن، ترجمه یعقوب آژند، نشر مولا، تهران، ۱۳۶۲.
- جعفری، محمدتقی، وحدت عالی انسانی، تلخیص محمدرضا جوادی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

- تهران، ۱۳۷۸.
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا، جغرافیای سیاسی ایران، سمت، تهران، .
۷. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه عبدالحمید آیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۷.
۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۳.
۹. طبرسی، امین‌الدین ابوعلی، فضل‌بن‌الحسن، تحقیق ابوالقاسم گرجی، تفسیر جوامع الجامع، سمت، تهران، ۱۳۷۷.
۱۰. طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، موسسه بعثه، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۱. طلوعی، محمود، فرهنگ جامع سیاسی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۰.
۱۲. عبدالباقی، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲.
۱۳. فرهیخته، شمس‌الدین، واژه‌ها و اصطلاحات سیاسی و حقوقی، انتشارات آشتارین، تهران، ۱۳۷۷.
۱۴. قطب، فی‌ظلال القرآن، دارالشرق، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۱۵. لوپس معلوف، المنجد فی اللغة، انتشارات اسماعیلیان، تهران، ۱۳۶۲.
۱۶. مغنیه، محمدجواد، تفسیر کاشف، ترجمه موسی دانش، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.
۱۷. موحد، محمدعلی، در هوای حق و عدالت از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، پگاه، تهران، .